

همة نیروها و عناصر مخالف استبداد باید با وحدت عمل و مبارزه خود، رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه را براندازند.

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

بدینرۀ شصتمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

ضرورت تاریخی انقلاب اکتبر

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بزرگترین تلاقی و اجتماعی در تاریخ انسانی و چرخشگاه سول جامعه بشری از نظام مبتنی بر مالکیت و طبقات ناهمساز بهره‌ده و بهره‌کش، به م اجتماعی نو، مبتنی بر مالکیت اجتماعی و رابر حقوق و تمام عیار اجتماعی است؛ یعنی بیاضی، ژرف و بیسابقه در تاریخ.

انقلاب اکتبر سینه دم یک دوران نوین در انسانی است که وی را سرانجام از عصر جبر، در چنگ قوانین طبیعی و اجتماعی بسوی عصر اختیار، عصر تبدیل انسان به تکیه‌گاه همجون خواهد شد، او را از زنجیر ناخوشی بردگیهای مادی و معنوی خواهد رهاند.

انقلاب اکتبر ثمره ضرورت تاریخی، نتیجه کامل غنوی اجتماع انسانی است. مورخان با سفسطه فرافکت‌ها و استناد باتکاه‌نر ی و توضیحات غلط در باره جامعه و تاریخ، چیزی بکار میبرند تا این انقلاب را ثمره یک نوعی سوء تفاهم تاریخی جلوه‌گر سازند و نند که چون این انقلاب ناشی از هیچ ضرورت نیست؛ لذا نمیتواند و نباید در کشور های بهان تکرار گردد و خود این خطای تاریخی را زور و حيله از صحنه روزگار زدود.

اما علی‌رغم سفسطه این مورخان، باید گفت بنده این انقلاب، حزب طراز نوریت طبقه روسیه بود که با افکار مغربی مارکسیسم-لنینیسم

در آستانه انقلاب اکتبر، علم رضایت علاوه بر بورژوازی و خورده بورژوازی را نیز در بر ، ولی این تررها که از انقلاب مردم هراس نادر نبودند آفریننده یک انقلاب بزرگ باشند.

روزی لیبرال در آستانه تحولات انقلابی در روسیه استناد تاریخی چنین استدلال میکرد: «شک که سلطنت مسجده از لحاظ تاریخی وصله است. ولی از میلیونها مردم نیمه برده، فقیر، جاهل، میگذرد چه پشتیبانی میتوان برای نظام نوین انتظار داشت؟ در این شرایط، از پائین تنها میتوان به ناخت و تاز وحیانه ناغت مبدل کرد؛ لذا باید به بالائی‌ها امید منتظر رفورم و اقدامات اصلاحی شد و تا ممکن بت را بسوی اجراء این رفورها سوق داد.»

«پروادا، ۱۱ مارس ۱۹۷۷»

ولی لنین در پاسخ این نوع سفسطه‌های لیبرالی

نه ستمکش بودن پائینی‌ها و نه بحران در بالائی، هیچکدام هنوز شرط کافی برای وقوع نیست. این عوامل تنها باعث پوسیدن جامعه شرط آنست که در این جامعه یک طبقه انقلابی نشته باشد که بتواند وضع پساپس ستمدگی مع آکتیف خشم و قیام مبدل سازد. (کلیات ج ۲ ص ۳۰۱)

در واقع نیز این طبقه طبقه کارگر روس بود مکتب پلشوسم لنینی گشته بود و توانست در انقلاب شود و آنرا در بربری بشریج و با ری از پشتیبانی وسیع زحمتکشان شهر و ده به ند.

نقش عظیم انقلاب اکتبر بر رهبری پیشوای داهی ن بزرگ در آفرینش جامعه نو و ایجاد ضرورت

باصطلاح شرکت کارگران، هر سود ویژه که اینک اصل چهارم از اصول هفده گانه «انقلاب شاه را تشکیل میدهد» از سال ۱۳۴۱ مطرح گردید. شخص شاه هدف خویش را از عنوان کردن این مسئله بدون پرده پوشی بارها توضیح داده است. در خود قانون و مقررات اجرائی آن گفته شده بود که اگر کارگران از طریق افزایش تولید، کاهش صنایع و تدابیر دیگر و بدون تحمیل سرمایه گذاری اضافی بر کارفرما سود

سنگین بر استثمار و استعمار روشن است. لنین خصلت تاریخی این انقلاب را چنین فورمولبندی میکند: «نلود ساختن سرمایه داری و آثار آن، تحقق بخشیدن به مبنای نظام کمونیستی» چنین است. مضمون آن دوران نوینی که اکنون در تاریخ سراسر جهان آغاز شده است. (کلیات ج ۴ ص ۴۲۵)

پس از شصت سال از پیروزی اکتبر، ل. پرژفادبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در کنفرانس احزاب برادر اروپا، جمع‌بست فشرده‌ای از دستاوردهای کمونی اجتماعی انقلاب اکتبر ارائه داد. وی گفت: «ما جامعه ای ایجاد کردیم که از سطره الیگارشلی انحصاری فلرغ و آزاد است؛ ترسی از بحران های اقتصادی و بیکاری ندارد زیرا از این نوع بلایلی اجتماعی فراین جامعه خبری نیست. ما جامعه انسانی برابر حقوق را در وسیع ترین معنای این کلمه بوجود آورده ایم. در این جامعه داشتن امتیاز بعلت تملق طبقاتی یا نژادی، بر حسب ثروت و نظایر آنها وجود خارجی ندارد. این جامعه ای است که حقوق انسانی رانه تنها اعلام می کند؛ بلکه آنها را در عمل تأمین

مینماید. این جامعه ایست که امکانات واقعی پرغوردری از این حقوق را نیز بوجود آورده است. در واقع نیز بیزکت انقلاب اکتبر، سیستم جهانی سوسیالیستی پدید آمد. سیستم استعماراتی امپریالیستی فرو ریخت، جنبش انقلابی و رهائی بخش اوج گرفت، سیاست صلح و امنیت و همکاری بین‌خانها امکان تحقق واقعی بیشتری یافت و می یابد. روشن است که این انقلاب و نظام آفریده آن هنوز باید راه دشوار نضج و نبرد و غلبه بر مشکلات را در تاریخ طی کند و هنوز ثمرات و عوالب عظیم تری در پی خواهد داشت. لئو ترویت پرژف در کنفره ۲۵ حزب کمونیست شوروی گفت: «رشد و تکامل کشور های سوسیالیستی افزایش اقتدار آنها، تشدید نفوذ و تأثیر حیات‌بخش سیاست بین المللی آنها، اکنون تعیین کننده سمت اساسی ترقی اجتماعی بشری است.» این سخنانی است که باتکاه محاسبه عوامل عینی، باتکاه محاسبه دور نمائی و با سنجش بر زبان رانده شده است.

سوسیال دمکراتهای انقلابی و سپس کمونیست های ایران، خواه در احزاب همیتت ایران و توده ایران، از همان آغاز فعالیت سوسیال دمکراسی انقلابی روس به رهبری لنین و در تمام خورانهایی بعد نسبت به این فعالیت علاقه و همبستگی نشان دادند.

خلقه‌های کشور ما بنوبه خود از همبستگی لنین و شاگردان مکتب او از دوران مشروطیت تا اسروز در زمینه های مختلف بر خوردار بوده و هستند. به یرکت این همبستگی و پشتیبانی، ایران از اسارت در چنگ تساریسم، از قید تحت الحمایگی انگلستان موافق قرار داد ۱۹۱۹، از بردگی قاشیسم در جنگ دوم جهانی رهائی یافت و بیک سلسله امکانات عینی و واقعی بسود ترقی و استقلال خویش نایل آمد. ارزش این همبستگی برای موجودیت کشور ما و تکامل آن از حد و اندازه برون است.

دستبرد به درآمد قانونی

کارگران

کاررماً آنرا اعلام کرده است، میتوان دید که خودستایی های مکرر شاه‌مینی برای آنکه گویا کارگران را در سود کارخانه هاشتریک کرده است تاچه اندازه کرافه گوئی است. در مورد نحوه پرداخت سود ویژه هم باید گفت که کارگران در نخستین سالهای اجرائی قانون کمترین دخالتی در آن نداشتند و این گردانند گان وزارت کار و کارفرمایان بودند که بجای محاسبه دقیق سهم کارگران، روش پرداخت يك يا دو ماه حقوق اضافی را در سال بعنوان سود ویژه انتخاب کردند. این البته همیشه از سهم واقعی و عادلانه ای که به کارگران تعلق میگرفت مبراتب کمتر بود؛ اما از سه سال پیش که موج کمروشکن تورم و گرانی قدرت خرید خانواده های زحمتکش را سخت زیر فشار قرار داد، کارگران دنباله در صفحه ۲

افزوده یا بااصطلاح قانون، سود ویژه ایجاد کنند، از این سودویژه که چیزی سواي سود سالیانه است، کارفرما تا ۲۰ درصدش را میان کارگران خود تقسیم خواهد کرد. پس از همان آغاز، تشدید بهره‌کشی از کارگران بسود گسترش سرمایه داری مورد نظر شاه بود. این را هم باید افزود که با وجود گذشت ۱۵ سال از تصویب قانون هنوز هم فقط بخش کوچکی از کارگران مشمول آن شده اند.

دو هفته پیش وزیر کار خود مدعی شد که در سال گذشته فقط در حدود ۳۸۶۱۷۳ کارگر از سود ویژه برخوردار شده اند، در حالیکه بهنگام اصلاح قانون در چند سال قبل کارگهائی که حتی يك کارگر هم داشتند مبیاست سود ویژه بپردازند. با توجه به رقم بیش از سه میلیون کارگران ایران که باز خود وزارت

رهبران ساواک زده «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» صد ها نفر را بچنگ پلیس انداخته اند

دو سازمان و حتی افراد عادی که برای «دشمناسی» نام آنها در آرشیبو این دو سازمان حفظ شده است. علاوه بر این، ساواک به آرشیبو «سازمان انقلابی» در خارج از کشور که در آن هم نام اعضا و هواداران «سازمان انقلابی» و همچنین نام سایر افراد حفظ شده نیز دسترسی کامل یافته است. بدینسان ساواک موفق شده است که نه فقط «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» را در ایران متلاشی سازد؛ بلکه از راه این دو سازمان به گروهها و افراد دیگری نیز دست یابد. جلدان رژیم برخی از افراد این جریان را بدعوی خود در مقابله خیابانی کشته اند و برخی دیگر را که مأموران ساواک «متناسب» تشخیص داده اند، برای اجراء صحنه سازی «دمکراسی» که اخیراً رژیم در پیش گرفته است، در دادگاه علنی نظامی به داحرسی کشیده اند.

از آنجا که به روایات رسمی دولتی اعتقادی نیست، ما اکنون در این باره نمیتوانیم نظر بدهم و باید منتظر باشیم تا حقایق این «داحرسی» روشن تر شود.

طبق اطلاعات موق، اخیراً ساواک با یک بورش عده کثیری را که تا ۴۰۰ نفر میرسد تحت پیگرد قرار داده است. هسته اصلی این عده را اعضا «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» که همکاری سازمانی با هم داشته اند، تشکیل میدهند. بقیه عبارتند از عده ای از هواداران این دو سازمان، یا ضانه افرادی یا گرایشهای گوناگون سیاسی و بدون وابستگی باین

میلیارد های تازه برای تسلیحات

بقرار اطلاع روزنامه امریکائی «اینترنشنل هرالد تریبون» دولت ایران قصد داشت از شرکت بوئینگ امریکائی بمیزان ۳۲ میلیارد دلار رادار های ثابت برای ۴۲ قله کوه در ایران خریداری کند. ولی اخیراً در نتیجه وضع خراب مالی دولت این تعداد به ۱۲ قله تخفیف داده شده است. بدین ترتیب حتی در حالت کمونی قریب ده میلیارد دلار برای خرید این رادارها مصرف خواهد شد. متخصصین نظامی امریکائی برآند که این رادارها مانند گشتهای زخمی بر فراز قله‌های ایران خواهند بود و از جهت نظامی دفاع از آنها دشوار است. قبل از این معامله ایران از شرکت «وستینگهاوس» بیش از ۱۰۰ میلیون دلار وسایل رادار خریداری کرده بود که اکنون در بنادر جنوب ایران خاک میخورد. واقعیت فوق که دولت و سخنگویانش آنرا از افکار عمومی مردم ایران پنهان کرده اند، یکبار دیگر حد اعلا بی پروائی رژیم را در تلراج ثروت ملی ما و عودت دادن در آمد قمت به‌جیب سوداگران سرگ نشان میدهد. از اینکه به گفته کارشناسان رادار های تثبیت شده از جهت نظامی قابل دفاع نیست، معنی این معامله فقط و فقط تأمین غارتگری بی حساب و کتاب انحصارهای اسلحه امریکا در درآمد نفت ایران است. در این معامله حسن طوفندیان از طرف شاه و وزارت جنگ ایران مسلماً «حق العمل» کلانی برای ارباب تاجدار خود گرفته است و یکی از فلسفه‌های نظیر این قبیل معاملات سراپا مضر و خیانت آمیز؛ بیجیب زدن همین نوع حق العمل است.

موقنیت ساواک خود برادر وجود سه عادل امکان پذیر شده است: نخست آنکه گروههای مائوئیستی، از جمله «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش»، مهمترین ملاک عضویت در گروه خود را موضع ضد توده‌ای و ضد شوروی قرار داده‌اند؛ و هر که در این زمینه پرحرارت ترورفال تر باشد، «انقلابی» تر است. باین «ملاک» مأموران ساواک میتوانند بناد کسی در چنین گروههایی تروث کنند؛ بدون آنکه حتی لازم باشد برای انجام فعالیت ضد توده‌ای و ضد شوروی خود، که وظیفه اصلی آنهاست، رل خاصی بازی کنند. بهمین جهت هم ساواک نه فقط توانست از همان آغاز تشکیل این گروهها، مأموران خود را بمیان آنها بفرستد بلکه آنها را بسرعت به رهبری، برساند. جوم آنکه عناصر مائوئیست فراتر در این زلفعالیت ضد توده‌ای و ضد شوروی بیشتر فرو میروند؛ بهمان اندازه زلفعالیت صادقانه واصل انقلابی بیشتر دور میشوند؛ تا جائیکه هر گونه اصولیت، هر گونه صداقت، هر گونه هشاری و همه دنباله در صفحه ۲

کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

دلیل دندان شکن!

جمشید آموزگار (دبیر کل حزب « رستاخیز ») : من به شما بعنوان دبیر کل میگویم که ما صد در صد آزادی داریم ، صد در صد آزادی . این مطلبی نیست که من بگویم ، امر اعلیحضرت را میگویم که در مصاحبه ای فرمودند .
از مصاحبه با مغیر کیهان
۱۴ اسفند ۱۳۵۵

رهبران ساواک زده «سازمان انقلابی» ...

دید خود را از دست میدهند و این مسامحه ترین زمینه برای آنست که ساواک یخود آنها را به مأموران خویش میدل سازد و بنا آنها را غیر مستقیم آلت دست خود گرداند . سوم آنکه شیوه کارسازمانی این گروهها درست برخلاف اصول کارمخفی در شرایط ترورواختناق است . ارتباطات و آشنا ئیها چنان وسیع ومتنوع است که مأموران ساواک ، بویژه اگر از «رهبران» و «کارها» باشند ، بسادگی میتوانند همه را بشناسند و بر همه چیز دست یابند . جمع این عوامل کار را بدانجا میکشاند ، و فعلا در مورد «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» ، بدانجا کشانده است ، که مجموعه سازمان در اختیار ساواک قرار میگردد . نفوذ پلیس در صفوف سازمانهای انقلابی امکان ناپذیر نیست . ولی میباشد سیاست و شیوهای را در پیش گرفت که این امکان را بحدائق برساند ، که راه نفوذ پلیس را به سراکنز و ارگانهای رهبری سد کند ، که پلیس را هرچه زودتر کشف کند ، که صدمات وارده ازجانب پلیس را درحداقل ممکن نگاهدارد ، که زبان وارده ازجانب پلیس را هرچه رود تر جبران کند . این را حزب توده ایران ، یعنی حزبی میگوید که در این زمینه تجارب تلخ و گرانها دارد .

ولی گروههای مائوئیستی ، ازجمله «سازمان انقلابی» و «سازمان آزادیبخش» ، نه فقط این اصول راعایت نکردهاند و نمیکند ، نه فقط از تجارب دیگران درس نگرفتهاند و نمیگیرند ، نه فقط به هشدارهای دیگران ، ازجمله هشدارهای دائمی حزب توده ایران و قلمی نهادهاند و نمی نهند و بر عکس رهبران واکنش خصمانه نشان دادهاند و میبندند ، بلکه از تجارب خود هم درس نگرفتهاند و نمیگیرند . نتیجه ، قربانی شدن مکرر و دائمی افرادی است که درعین گمراهی سیاسی بینگامند ، و مسؤولیت این قربانیا ، علاوه برساواک ، باآن عده از «رهبران» و «کار» های گروههای مائوئیستی است که عامل مستقیم ساواک نیستند ، ولی با ادامه سیاست و شیوه ضد انقلابی و زیانبخش خود ، عملا بصورت همکاران ساواک فر آمدهاند .

ما این فرصت را غنیمت میشماریم و بار دیگر به آن عده از اعضاء و هواداران این گروهها ، که صداقتی ندارند ، هشدار میدهیم که بخود آیند ، این گروهها بمانند «رهبران» ، ساواکی و همکاران اصلاح ناپذیر آنها واکندند و راه درست انقلابی را فر پیش گیرند .

ما بسیار افراد و گروههای سیاسی نیز هشدار میدهیم که با درس گرفتن از این جدیدترین تجربه تلخ از هر گونه تماس و همکاری با گروههای مائوئیستی ، که از بالا تا پایین ساواک زدهاند ، بیرهزند ، شی سیاسی و شیوه کار سازمانی خودرا مورد بررسی انتقادی قرار دهند و در راه درست انقلابی گام گذارند .

بنظر ما ، این کار هرچه زودتر ، هرچه قاطعتر و هرچه وسیع تر انجام گیرد ، بهمان اندازه موفقیت ساواک در بدام انداختن نیروهای انقلابی کمتر و کامیابی نیروهای انقلابی در وارد آوردن ضربه به ساواک و رژیم دیکتاتوری شاه بیشتر است . ما با احساس

نمونه ای از برخورد يك کارگر با تجربه به تحریکات منحرفین

موافق يك اطلاع رسیده فر تبریز فر یکی از کارخانه ها دو جوان دانشجو که برای کار آموزی در کارخانه کار میکردند و خود را هوادار مائوئیسم میدانستند دست به نا سزا گویی به حزب توده ایران و اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیستی و کارگری واقعی زده و جنجالی بر راه می اندازند . کارگری بیخه و آموده که با خونسردی به این گفتههای پوچ گوش میداده و به آنها میکشید میگوید : « بابا چنت ! اگر تا حالا آتشبر که به در زدید به خر میزدید خسر افتاده بود . » اینست نصونه ای از شم سالم يك کارگر با تجربه و آگاه .

دستبرد به درآمد قانونی کارگران ...

وزمحتکشان ایران علیرغم ترور و تضییق سازمان جنایتکار امنیت برای دفاع از منافع حقه خود بیا خاستند و افزایش دستمزد ها و حقوق ها و هم چنین سهم عادلانه خود را ازسود کارخانه ها و دیگر مؤسسات خواستار شدند . ولی رژیم که بعالت سیاست خائمان براننداز وابستگی سیاسی و اقتصادی بلهبرالیسم باجبران جلی روبرو شده و سرمایه داری تازه بدوران رسیده ایران که جز میکش خون کارگران راهی برای غلبه بر مشکلات خویش نمیتواند دیه در آورند و مدعی شدند که گویا تا بحال پول بیخودی بابت سود ویژه بکارگران میبرداخته اند . و برای اینکه بار خواروی های اقتصادی خود را بر کارگران سر شکن کنند هجوم همه جانبه ایرا برای محمود کردن بازم بیشتر پول پرداختی به آنان و تشدید استثمار آغاز نمودند .

اجرای این وظیفه بعهده يك جلسوس رسوای سازمان امنیت بنام منوچهر آزمون گذاشته شده است . این آقای وزیر که از دوران جوانی علاوه برپاپوش دوزی برای اطربانان ، با زدی و چپاول همرنگی خود را با افضلی خاندان سلطنت ثابت کرده بود ، در رأس سازمان اوقاف گذاشته شد تا جیب خود و اربابانش را پر کند . بعدها کم کم نشان داد که استعداد خوش خمتی های بزرگتر راهم دارد . نخست بعنوان یکی از گردانندگان اصلی حزب رستاخیز انتخاب شد و پس از آن مأمور سر کوب مبارزات کارگران گردید .

اقدامات شدیداً ضد کارگری شاه و دولت در چندماه اخیر تنها بمحدود کردن سهم کارگران ازسود ویژه منحصرنمیشود . تهیه آییننامه انضباطی کارگران ، مخالفت جلی با نقل وانتقال طبیعی کارگران و فروش آزادانه نیروی کار در بازار مانند هر کالای دیگر و نظایر آنها ، تنها گوشه ای از تدابیر ضد کارگری رژیم را تشکیل میدهد .

وابسته کردن حق السهم کارگران از سود ویژه به بار آوری کار که شاه آنرا سطح بهره وری ندیده جز سفسطه و توطئه چنین برای بالا کشیدن حق قانونی کارگران چیز دیگری نیست . اگر شاه کوچک ترین صداقتی داشت میتوانست همانطور که در مصالحه هایش مدعی میشود ، سودسالیانه مؤسسات انقلابی راملاک قرار دهد چرا که بهر حال سود سالیانه این مؤسسات بخشی از آن ارزش اضافی است که کارگران برای کار فرما ایجاد میکنند .

بدتر از همه اگر در سابق مدعی بودند که ضابطه و ملاک تقسیم حق السهم باید روشن ومحاسبات مربوط با آن آسان باشد تا هر کارگری بتواند سهم خودرا مسؤولیت در برابر جنبش انقلابی ایران و بر پایه تجارب تلخ خود چنین هشدار میدهیم و میاموریم هر کسی که در برابر جنبش انقلابی ایران احساس مسؤولیت میکند نیز ، این هشدار را جلی تلقی کند و از آن نتیجه گیری جلی هم بکند . م . آتو شه

برای سیاهان آزاد افریقا

(چکامه ای فرستاده از تکزاس ، امریکا)

از زجر گاه بردگی آزاد دیده ام گویی که صید در کف صیاد دیده ام نقش تو را زوده ز هر یاد دیده ام لیکن به پایداری ، یولاد دیده ام کوبا چو پتک محکم خداد دیده ام اینک دو صد هزار چو فرهاد دیده ام سبحان وائل از فر انشاد دیده ام پویا چو سیل از پی پیناد دیده ام مرعی بزرگ و راهبری راد دیده ام چون غنچه ها که آن بره یاد دیده ام بر آسمان ز جور تو فریاد دیده ام پیناد گاه تیره شاداد دیده ام چون نیشتر به پنجه فصاد دیده ام آنگاه حق به قلّه ایجاد دیده ام بی رحم و بی فروغ چو اضداد دیده ام سرمایه را چو دوزخ افساد دیده ام رخسار خلق از آن برخ شاد دیده ام وان کاخ ، باز گونہ ز بنیاد دیده ام با کینری فراخور جلااد دیده ام از بهر توده قبله و مباد دیده ام خصم ستم چو بوخر مقدار دیده ام از پستی و دروغش آزاد دیده ام زیرا که درس و مکتب استاد دیده ام

شادم در این سفر ، که تو را شاد دیدم ام وصف تو خوانده بودم فر دفتر زمان مرز میان زندگی و مرگ خانه بود فر پیش آن شکیب تو آهن چو آب گشت سندان رنج گر چه شنی بر ستم ، ولی فرهاد کوهکن که شنینی بداستان در انجمن که یا نهی انتر سخنوری پایا چو کوه در بر عقیان رنج و درد آن راد مرد را که لومومباش بود نام لازم که بهر داد چه سر ها بیاد رفت ای بردگی ! که واژه تنگت شرنگ جان بیزارم از جهان تو ، زیرا که آن جهان باران ! خنر ز غرب جهانخوار ! نیش آن گر متحد شوند همه موجودات حق ، لیکن تیغ ! چول دو هم اندیش را برزم یاران ! نجات توده ، در این توده یلوری است توده گرانای است سر انجام کار ها بنیاد بهره خواری جزوات شود فنا جلااد را که بر زبر تخت میهن است وان جنبشی که متحد و یار توده هاست هر کس که راه عدل ببیمود چون علی همواره زنگ شوق ز قوالم دهد صدا شرم شکر به محفل یاران حافظ است

اعترافات صریح و روشن

بنا بطلاع روزنامه امریکائی نیویورک تایمز ، در دوازدهم آوریل ۱۹۷۷ «اندرو یانگ» نماینده دائمی ایالات متحده امریکا در سازمان ملل متحد اظهار داشته است که سیاست کسور او در افریقا از آنچه چهار مشکلات است که واشنگتن حوادث این قاره را از موضوع جنگ سرد تجزیه و تحلیل میکند ، ترس چون آمیز از کمونیسم در افریقا نه تنها بازتاب عادی نیروهای امپریالیستی و جنگ سرد در امریکا و اروپای غربی است ، بلکه حساب سودا گرانه ای است و وسیله ایست برای قریب تمامی افکار عمومی و توجیه و دفاع از رژیمهای نژادگرا و مداخله در امور کشور های مستقل افریقائی برای حفظ منافع استراتژیک غرب و سرمایه گذاری شر کتهای چند ملیتی .

بهبانه خطر کمونیستی ومداخله موهرم شوروی و کوبا ، ایالات متحده و کشورهای دیگر غربی و کشورهایی که بدستور آنها رفتار میکنند درحوادث ایالات «شاه» در «زیر» مداخله میوزند . «اندرو یانگ» گفت که ایالات متحده نمیباید در امور رژیم مداخله کند .

تعیین کند ، اکنون علاوه بر درهم برهم کردن محاسبات سر آخر ریش و قیچی را هم بدست نمایندگان کارفرما و ساواک سپرده اند تا این چند تومنان آخر سال هم تبدیل بافزاری برای شاتاز و ایجاد اختلاف در میان کارگران شود .

بدون تردید در ماههای اخیر که شاه هجوم ضد کارگری خود را تشدید کرده ، شرایط برای مبارزه علمی صفتی دشوارتر شده است . اما آنچه که طبقه کارگر ایران را در سال گذشته و پیش از آن مبارزه بر انگیزت ناچیز بودن دستمزد ها ، شرایط دشوار

رشد اقتصادی در کشورهای سوسیالیستی اروپا

کمیسون اقتصادی اروپائی سازمان متحد اخیراً تحلیل وسیعی درباره وضع اقتصادی اروپا در سال ۱۹۷۶ در شهر ژنو منتشر کرد است . در بخش سوم این تحلیل وضع اقتصادی کشورهای سوسیالیستی اروپا بر رسی شد است . این کمیسون تأکید میکند که رشد صنعتی کشورهای سوسیالیستی در سال گذشته ۵٫۷ درصد بوده است ، حجم بازر گانی خارجی ۹ درصد افزایش یافته و حال آنکه در سال ۱۹۷۵ این افزایش ۶ درصد بیشتر بوده است . علیرغم خشکالی در سال گذشته کشورهای جمهوری دمکراتیک آلمان ، چکسلواکی ، مجارستان و لهستان بیش از ۳۰۲ میلیون تن غله آوری کرده اند . کمیسون همچنین تذکر میدهد که درآمد واقعی اهالی موافق نقشه های تصویب شده افزایش یافته است .

کار ، گرانی کمر شکن هزینه زندگی ، وضع مسکن ، ناسامانی های درمانی و آموزشی و نظایر آن بود که هنوز هم با قوت تمام بجلی خود باقی است ، بنا بر این شرایط عینی مبارزه همچنان و دارد . اگر کارگران آگاه بتوانند قشرهای وسیع ازهم زنجیران خود را زیر خواسته های همه گیر و بیخه از جانب ملا تمام کارگران يك کارخانه یا اقتصادی مبارزه جلب کنند ، رژیم با وجود تمام ، تضییقی اش مجبور به عقب نشینی و گردن نهادن به خواسته های زمختکشان خواهد شد . ک . پور آق